

لا إله إلا الله

١٠٥١٤٧

دانشگاه لیبان

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

فرافکنی در مثنوی معنوی

از

یدالله رحیمی

استاد راهنما

دکتر غلامرضا رحمدل

استاد مشاور

دکتر احمد رضی

۱۴۸۷ / ۱۵ / ۲۸

اسفند ۱۳۸۶

۱۰۵۱۴۷

ب

به نور دیدگانم: پدر و مادرم

و نیمه ی دیگر وجودم

و میوه های دلم

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۸

ربّ اوزعنی ان اشکر نعمتک الّتی انعمت علیّ و علیّ والدیّ و ان اعمل صالحاً ترضاه و اصلح
لی فی ذرّیتی

دادار یکتا را سپاس که توفیق انجام این پایان نامه را به من ارزانی فرمود.
از استادان بزرگوار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان که در این دوره از محضرشان تلمّذ
نموده، درس‌ها آموخته‌ام سپاس گزارم. به ویژه از استاد گرانمایه و ارجمندم دکتر غلامرضا
رحمدل که راهنمایی این پایان‌نامه را برعهده گرفتند و با آگاهی دقیق و وسیع خود نگارنده
را رهین منت خود قرار دادند و همچنین از مشاورت‌های دلسوزانه و دقّت نظر بی مانند
دکتر احمد رضی کمال تقدیر و تشکر را دارم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه و کلیات:

- ۱-۱. بیان مسأله تحقیق..... ۱
- ۲-۱. بررسی های تحقیق..... ۲
- ۳-۱. ضرورت و هدف تحقیق..... ۲
- ۴-۱. پیشینه‌ی تحقیق..... ۳
- ۵-۱. روش تحقیق..... ۳

فصل اول

فرافکنی

- ۱-۱. تعاریف ۵
- ۲-۱. پیشینه‌ی فرافکنی ۹
- ۳-۱. اهمیت فرافکنی..... ۱۱
- ۴-۱. انواع فرافکنی..... ۱۳
- ۵-۱. تکنیک های فرافکنی..... ۱۴
- ۶-۱. رابطه‌ی فرافکنی و استعاره..... ۱۵
- ۷-۱. فرافکنی و آرمان‌گرایی..... ۱۹

فصل دوم

فرافکنی در مثنوی

- ۱-۲. فرافکنی یکی از شیوه های بیان مولوی در مثنوی ۲۳
- ۲-۲. اهمیت فرافکنی در مثنوی ۳۰
- ۳-۲. علل فرافکنی در مثنوی ۳۳
- ۱-۳-۲. رازداری ۳۳
- ۲-۳-۲. قصور فهم برخی مستمعان ۳۷

فصل سوم

کانون فرافکنی‌های مولوی

- ۳-۱. «نی» ۴۲
- ۳-۲. عاشق شدن پادشاه بر کنیزک ۴۶
- ۳-۳. «قصه‌ی وکیل صدر جهان که از بخارا گریخت از بیم جان، و باز عشق کشیدش
روکشان، که کار جان سهل باشد عاشقان را» ۴۸
- ۳-۴. بازرگان و طوطی ۵۱
- ۳-۵. «حکایت بیدار کردن ابلیس معاویه را: که خیز وقت نماز است» ۵۳
- ۳-۶. «گرفتار شدن باز میان جفدان به ویرانه» ۵۸

فصل چهارم

فرافکنی شخصیت‌های حکایات در مثنوی

- ۴-۱. شیر و نخجیران ۶۳
- ۴-۲. بقال و طوطی ۶۸
- ۴-۳. مگس و بول خر ۶۹
- ۴-۴. مجاوبه‌ی ابوجهل و پیامبر(ص) ۷۱
- ۴-۵. «امتحان پادشاه به آن دو غلام، که نو خریده بود» ۷۲
- ۴-۶. «اضافت کردن آدم زلت را به خویشتن که: رینا ظلمنا، و اضافت کردن ابلیس گناه خود را
به خدای تعالی که: بما اغویتنی» ۷۶
- ۴-۷. «مرد گذرنده و دختر چگان» ۷۹

فصل پنجم

عوامل و زمینه‌های فرافکنی در مثنوی

- ۵-۱. عیب جویی ۸۴
- ۵-۲. بد خویی ۸۶
- ۵-۳. خود بینی و انانیت ۸۷
- ۵-۴. شادی و خوشی ۸۹
- ۵-۵. عیب و شر ۹۰
- ۵-۶. بدگمانی و سوژن ۹۲
- ۵-۷. اعتقاد بی چون و چرا به قضا و قدر ۹۶

۸-۵. قیاس به نفس ۹۷

۹-۵. اعتقاد به جبر مذموم ۹۹

فهرست منابع ۱۰۲

فراقینی یک فرایند ذهنی است که بر اساس آن شخص، احساسات، افکار، امیال و آرزوهای خود را به دیگران و جهان خارج تسری می‌دهد. فراقینی در مطالعه‌ی شخصیت افراد و رسوخ در لایه‌های ضمیر ناخودآگاه اهمیت بسیار دارد. بسیاری از قصه‌ها و حکایت‌های مثنوی را می‌توان فراقینی مولانا دانست. فراقینی در مثنوی گونه‌ها و شیوه‌های مختلف دارد. گاهی فراقینی در مثنوی از زبان خود مولانا است، چنان که خود نیز به این اذعان دارد و سر دلبران را در حدیث دیگران تعبیر می‌کند. گاهی نیز فراقینی در مثنوی از زبان شخصیت‌های حکایات بیان می‌شود. نگاه فراقینانه به متن مثنوی دریچه‌های نوینی از این اثر بزرگ عرفانی را به روی محققین و اندیشمندان خواهد گشود.

واژه‌های کلیدی: فراقینی، درون فکینی، روان‌شناسی، مولوی، مثنوی

Abstract

Projection in mathnavi-e-manavi

Yadollah rahimi

Projection is a mental process in which a person attributes his personal sensations, thoughts and desires to other people and outside world. Projection is very important in study of people's personalities and with this process a general understanding of human's characters can be got and penetrating in human's unconscious mind would be possible. Most of Moulana's tales can be known as projection. In Mathnavi, projection has different kinds and styles. Some times, it is from Moulana's mouth himself, as though he acknowledges this and comments on sweetheart's mysteries through other people's speech. Some times the characters of his tales and stories do such a kind of projection too. A projective looking upon this permanent work will open new ways for thinkers and researchers.

key word: Projection, introjection, psychology, Moulana, Mathnavi

مقدمه و کلیات:

۱-۱. بیان مسأله تحقیق

مولوی پس از گذشتن از مقامات تلویح در دیوان شمس به مقام تمکین می‌رسد و حاصل تأملات درونی و احوال روانی و کشف و شهود خود را در مثنوی بیان می‌کند. بنابراین «مثنوی، تجلی هوشیاری، خردمندی، وقار، متانت، اوج کمال و نیل به مقام جمع الجموع مولوی است. در حالی که دیوان شمس بازتاب تحوّل و تخریب روحی و آشفتگی است، که لازمه‌ی هرگونه باز آفرینی است. مولانا در دیوان شمس «بیماری درمان جو» و در مثنوی «طبیعی در مانگر» است» (انزایی نژاد و حجازی، ۱۳۸۴: ۱۰)

این اثر بزرگ عرفانی (مثنوی) سرشار از نظرات روان‌شناسانه و انسان‌شناسانه است که متأسفانه تا کنون مورد مطالعه و بررسی جدی قرار نگرفته است. در تفاسیر و شرح‌هایی هم که بر مثنوی نوشته شده است، نظریات فلسفی و کلامی و عرفانی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بسیاری از مفاهیم روان‌شناسی جدید از قبیل خودآگاه، ناخودآگاه، مکانیسم‌های دفاعی روان، فرافکنی و مباحث مربوط به تعبیر رؤیا را مولوی قبل از روان‌شناسان درک و بیان کرده است و همان‌طور که فروید نیز اشاره کرده است شاعران و فیلسوفان در کند و کاو احوال انسان به ویژه تنش‌ها و اضطراب‌های روانی و کشف «ضمیرناهیاری» بر روان‌شناسان فضل تقدّم دارند. (رک دستغیب، ۱۳۷۸: ۸۶)

هر چند مثنوی اثری عرفانی است اما به لحاظ این که از متون حجمی و زایشی است، به جای حرکت در خط و سطح در حجم حرکت می‌کند. بنابراین نگاه به مثنوی از دیدگاهی خاص مانند فرافکنی هرگز به وجه عرفانی آن لطمه نخواهد زد. بلکه بیش از پیش عظمت و شگفتی این اثر بزرگ نمایان می‌شود.

۲-۱. پرسش های تحقیق

سؤال اصلی تحقیق در این رساله این است که فرافکنی و انواع آن چیست و جنبه های مختلف آن در مثنوی چگونه است؟ برای جواب دادن به این سؤال نخست باید ابعاد مسأله را مشخص کنیم و جنبه های مجهول آن را روشن نماییم. بنابراین برای رسیدن به پاسخی قانع کننده در این زمینه باید به سؤال هایی از این قبیل پاسخ دهیم:

۱. آیا می توان فرافکنی را یکی از شیوه های بیان مولانا در مثنوی دانست؟

۲. مولوی در چه زمینه هایی فرافکنی نموده است؟

۳. زمینه ها و عوامل فرافکنی در مثنوی کدام است؟

۴. رابطه ی فرافکنی با استعاره کدام است؟

۵. علل وجود فرافکنی در مثنوی چیست؟

۶. اهمیت فرافکنی در مثنوی چیست؟

۳-۱. ضرورت و هدف تحقیق

این پژوهش یعنی بررسی مثنوی با نگاه فرافکنانه دریچه های نوینی از عظمت این اثر بزرگ عرفانی را به روی محققین و پژوهشگران می گشاید و گوشه هایی دیگر از ژرف اندیشی های عمیق مولانا را می نمایاند. مثنوی که بازتاب عوالم روحانی و ملکوتی مولوی است بدون شک برای نابسامانی های روانی و مشکلات روحی انسان ها تدابیری در بر دارد که پایه و اساس این تحقیق نیز بر همین اصل استوار است. فرافکنی در مثنوی مولوی فراوان به کار رفته است. شناخت فرافکنی در مثنوی ما را یاری می کند که اندیشه های مولانا را بهتر بشناسیم. فرافکنی در مثنوی ابعاد، شیوه ها و گونه های مختلف دارد: گاهی مولوی فرافکنی را از زبان شخصیت های حکایات بیان می کند، گاهی نیز فرافکنی از زبان خود مولوی است. چنان که خود به این امر اذعان دارد و سر دلبران را در حدیث دیگران تعبیر می کند.

۱-۴. پیشینه‌ی تحقیق

می‌توان گفت این تحقیق پیشینه‌ی نداشتن است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون اثر مستقلاً در این زمینه‌ی خاص منتشر نشده است، جز کوشش احمد کتابی که نمونه‌های مختصر و گذرایی را از فرافکنی شاعران و نویسندگان در فرهنگ و ادب فارسی جمع‌آوری کرده است. کوشش دیگر در این زمینه کتاب فرویدیسم اثر امیرحسین آریان پور است که اشاراتی گذرا به ادبیات عرفانی و نظریه‌های فروید از جمله مبحث مکانیسم‌های دفاعی نموده است. علی محمدی آسیابادی نیز مقاله‌ای را تحت عنوان «فرافکنی و شخصیت بخشی در شعر حافظ» نوشته است. در این مقاله یکی از ویژگی‌های شعر حافظ تشخیص (perconification) توأم با حسن تعلیل شمرده شده است که این مسأله با فرافکنی و تسری احوال خود بر دیگران و جهان بیرون نیز ارتباط دارد. این کوشش‌ها مفید اما ناکافی است. پرسش‌های زیادی در زمینه‌ی فرافکنی در مثنوی وجود دارد که پاسخی به آن‌ها داده نشده است.

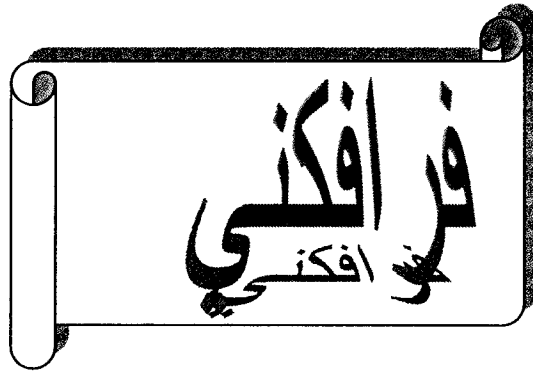
۱-۵. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای است و سعی شده است تا با نگاه روان‌شناسانه به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده پرداخته شود. بدین گونه که نخست مطالعات کلی در مورد فرافکنی را آغاز نمودم تا به تعریفی دقیق از آن برسم و محدوده‌ی کار مشخص شود.

پس از آن که به مطالعه‌ی نظریه‌هایی که درباره‌ی فرافکنی در روان‌شناسی ارائه شده بود پرداختم، فیش برداری از مثنوی معنوی (شرح استعلامی) را آغاز کردم و نمونه‌های فرافکنی در مثنوی و نیز مطالبی را که می‌توان درباره‌ی فرافکنی از آن کتاب به دست آورد، گردآوری نمودم. سپس فیش‌هایی که از این کتاب به دست آمده بود، برای بررسی انواع فرافکنی در مثنوی، کانون فرافکنی‌های مولوی، فرافکنی شخصیت‌های حکایات، علل فرافکنی در مثنوی و عوامل و زمینه‌های بیان فرافکنی در مثنوی، تقسیم‌بندی و تجزیه و تحلیل نمودم.



فصل اول



فرافکنی

۱-۱. تعاریف

فرافکنی: projection(F)-projection(E)

در فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی پورافکاری تعریف‌های متعددی از فرافکنی آمده است:

۱- در روان‌کاوی کلاسیک، فرایندی که به وسیله‌ی آن شخص صفات، هیجان‌ها و تمایلات خود را به دیگری نسبت می‌دهد. فرافکنی که از دفاع‌های پخته‌تلقی می‌شود در عین حال حاکی از سوگیری شدید، ردّ صمیمیت از طریق سوءظن، دقت بیش از حد در مورد خطرات خارجی و جمع‌آوری قرائن بیدادگری را نیز در بر می‌گیرد. فرافکنی در ارتباط متقابل با درون‌فکنی عمل می‌کند. به طوری که موضوع فرافکنی هویت خود را از ترکیب ماده‌ی درون‌سازی به دست می‌آورد. در سطوح بالاتر فرافکنی ممکن است به شکل سوءانتساب یا سوءتعبیر انگیزه‌ها، طرز تلقی‌ها، احساس‌ها یا تمایلات دیگران ظاهر شود.

۲- در برخی از نظریه‌های روان‌کاوی فرافکنی وجهی به‌نجار از رشد روان‌شناختی شمرده می‌شود و لزوماً بازتاب تمایلات نورتیک نیست. این دیدگاه مخصوصاً در نظریات «ملانی کلاین» مطرح شده است. [کلاین معتقد است افراد می‌توانند تکانه‌های خوب خود را نیز فرافکنی کنند. مانند کسانی که احساسات عاشقانه‌ی خود را به فرد دیگری فرافکنی می‌کنند و متقاعد می‌شوند که آن فرد عاشق آنهاست.]

۳- درک رخ‌دادها و محرک‌های محیطی بر حسب انتظارات، نیازها و امیال خود. این مفهوم از نظر موضوع بیمارگونگی فرافکنی جنبه‌ای خنثی دارد و همین امر اساس نظری آزمون‌های فرافکن را تشکیل می‌دهد.

۴- نسبت دادن کوتاهی‌ها و شکست‌های خود به دیگران. مفهومی که در مکالمات روزمره رایج، اما از نظر تکنیکی خالی از اشکال نیست. (پورافکاری، ۱۳۷۶: ۱۱۸۴)

فرانکو برنو در تعریف فرافکنی می‌گوید:

«برون‌فکنی یکی از مکانیزم‌های دفاعی خود است با این مشخصه که فرد خصوصیات را که از زندگی روانی ناهشیارش سرچشمه می‌گیرد به افراد و اشیای دیگر نسبت می‌دهد. کلی‌تر بگوییم: برون‌فکنی، ادراک جهان بر اساس شخصیت خود است.» (برنو، ۱۳۷۰: ۵۳)

پروفسور مای لی - روان‌شناس معاصر - فرافکنی را با توجه به آن چه ملحوظ فروید بوده است چنین تعریف کرده است:

«فرافکنی ادراک های داخلی به خارج، مکانیزمی ابتدایی است که در ادراک های حسی ما تأثیر می کند و معمولاً نقشی اساسی در بنا کردن جهان خارجی ما دارد. در کیفیاتی که تا کنون به اندازه ی کافی معین نشده اند، حتی ادراک های داخلی فرایند های جریان فکری یا عاطفی همانند ادراک های حسی برون فکنده می شوند و برای شکل دادن به جهان خارجی به کار می روند، حال آن که بایستی در دنیای داخلی باقی می ماندند.» (مای لی، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

در لغت نامه ی روان شناسی محمود منصور و همکارانش تعاریف متعددی برای فرافکنی ذکر شده است:

- ۱- عبارت است از تحدید برونی آن چیزی که در ذهن است به عبارت دیگر یک تحدید اشتباهی است. مکانیزم معکوس فرافکنی درون فکنی است. هم چنین بسیاری از حس کردن های دیداری و شنیداری در نقاط معینی از فضا فرا فکنده می شوند و این به منزله ی تحدید ادراکی است.
- ۲- در تحلیل روانی به یک مکانیزم دفاعی که به وسیله ی آن فرد در جهان خارج و مخصوصاً در شخص دیگری ویژگی هایی را که خاص خود او هستند ادراک می کند، اطلاق می شود.
- ۳- در روان شناسی عمومی و اجتماعی این اصطلاح دارای معانی متمایزی است که از لحاظ فروید نیز ملحوظ بوده است:

الف- به معنای باز شناسی جنبه ی برونی اشیائی است که فرض بر آن است که با حس کردن هایی مطابقت دارند. این معنا دارای ارزش فلسفی است ولی از لحاظ روان شناسی کودک نیز واجد ارزش است.

ب- همانند سازی دیگری با خود، بدون سرکوفتگی و ناهشیاری. از روان شناسی همانندسازی خودمیان بین یا مشابهت مفروض سرچشمه می گیرد.

ج- گاهی سر کوفتگی بدون هشیاری به زمینه ی طرد کردن منتقل می شود و در چهار چوب تمایل پذیری رگه های فرافکنی وارد می شود. (منصور، دادستان، راد، ۲۵۳۶: ۲۴۹)

کلارنس راو فرافکنی را چنین تعریف کرده است:

«عبارت است از نسبت دادن افکار، احساسات، انگیزه ها و آرزوهایی که در واقع از خصوصیات غیر قابل قبول

و مورد انکار خود فرد است به دیگران.» (راو، ۱۳۷۳: ۹۶)

نرمان ل. مان گفته است:

«فرافکنی آن است که افکار و احساسات و انگیزه های خود را از خود برون افکنیم و به دیگری نسبت دهیم. این واکنش جبرانی و دفاعی است و به منظور جلوگیری از اضطراب صورت می گیرد و در واقع نوعی قیاس به نفس است.» (مان، ۱۳۴۲: ۱۳۸)

فرافکنی در نظر شعاری نژاد این گونه است:

«شخص گاهی گناه ناکامی های خود را به گردن دیگران می اندازد و یا امیال و آرزوهای نامطلوب خود را به دیگران نسبت می دهد. مثلاً اگر خودش گران فروش است، می گوید مردم همه گران فروشند.» (شعاری نژاد، ۱۳۶۳: ۴۵۹)

محمد علی احمدوند در باره ی فرافکنی نوشته است:

«فرافکنی یکی از مکانیسم های متداول است که از طریق آن شخص اندیشه ها و افکار غیر قابل پذیرش و یا تمایلات درونی و ناخودآگاه خویش و هم چنین تقصیرها و اشتباهات و بدکاری های خود را به دیگران نسبت می دهد و یا وسوسه ها و هوس های نامقبولش را به دیگران منتقل می کند و به این وسیله موجبات رضایت خاطر و آرامش خود را فراهم می سازد.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۱۴۳)

گنجی نیز می گوید:

«فرافکنی یا انتساب یعنی تعارض های درونی و انگیزه های خود را بیرون ریختن و آنها را به طور ناآگاه به دیگران نسبت دادن. با مکانیسم فرافکنی انسان می تواند خود را از آثار غیر قابل تحمل و آزار دهنده ی تعارض های درونی خلاص کند. واقعیت این است که در همه ی ما صفات ناخوشایندی وجود دارد که آنها را حتی از خودمان نیز پنهان می کنیم. به کمک مکانیسم فرافکنی این صفات ناخوشایند را به دیگران نسبت می دهیم تا وجود آنها را در خود انکار کنیم.» (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

منطقی در کتاب سبب شناسی و درمان بیماری های روانی در قلمروی اسلامی در مورد برون فکنی نوشته است:

«برون فکنی پدیده ای نسبتاً ملموس می باشد. انسان ها در طول تجربیات انسانی خویش می یابند که فرضاً در توصیف درختی غالباً هر فردی درخت مفروض را به گونه ای می پردازد که انگار خود را پرداخته است یعنی واژه ی انتزاعی درخت در برخورد با تجربیات و ارزش های موجود در ذهن فرد چنان تعیینی به خود می گیرد که در واقع

سمبلی از تعارضات، آرزوها و تلاش های همان فرد می گردد.» (منطقی، ۱۳۷۰: ۵۷۵)

شاپوریان در مورد فرافکنی گفته است:

«مکانیسمی که به وسیله ی آن فرد ضعف، خطا و نارسایی های خود را به دیگران نسبت می دهد و بدین

ترتیب کافر همه را به کیش خود پندارد.» (شاپوریان، ۲۵۳۷ : ۲۳۰)

پرویز فروردین در یک تقسیم بندی کلی گفته است:

«یکی از مکانیسم های دفاعی روان انسان واکنش برون افکنی است که نوع کاملاً بیمارگون آن در نزد افراد

پارانوئید (paranoid) ملاحظه می گردد. نوع خفیف و متوسط آن در نزد افراد عادی نیز ملاحظه می شود... برای نمونه

می توان به کوشش انسان که ماه و خورشید، فلک غدار، چرخ کج رفتار، بدشانسی و نحوست ستارگان را مسؤول

وضع نامطلوب خود می داند، اشاره کرد.» (فروردین، ۱۳۶۶: ۳۳)

اگر در تعاریف مختلفی که از فرافکنی نقل شد دقت کنیم، می توانیم ویژگی های فرافکنی را چنین ذکر کنیم:

۱- نسبت دادن صفات، تمایلات و اندیشه های درونی خود به دیگران.

۲- اغلب به صورت ناخود آگاه است اما گاهی نیز آگاهانه عمل می شود.

۳- در تحلیل های روان کاوی مکانیسمی دفاعی و جبرانی است.

۴- در سطوح بالاتر به شکل سوء انتساب یا سوء تعبیر احساسات و تمایلات ظاهر می شود. (نوع بیمارگون)

۵- کانون آن بیشتر انسان است، اما گاهی به اشیاء و چیزهای دیگر هم افکنده می شود.

۶- در دو مرحله انجام می پذیرد: برون فکندن از خود و نسبت دادن به دیگری.

۷- لزوماً بازتاب تمایلات نورتیک نیست، بلکه گاهی در وجهی بهنجار نشانه ی رشد روان شناختی شمرده می شود.

۸- مختص فرد خاصی نیست و همه ی انسان ها آن را به کار می برند.

بنابراین می توان به گونه ای ساده و جامع فرافکنی را این گونه تعریف کرد: انتساب و تسری احساسات، افکار،

تمایلات، آرزوها، احوال و اندیشه های خود به دیگران و جهان خارج که بیشتر دفاعی و جبرانی است و در سطوح

بالاتر منجر به بیماری روحی می شود.

۱-۲. پیشینه ی فرافکنی

اصطلاح فرافکنی را نخستین بار فروید وارد روان شناسی کرده است. وی در دو مرحله ی متفاوت در آثار خود

از فرافکنی سخن به میان آورده است. نخستین بار در سال ۱۸۹۶م فرافکنی را برای تفسیر و تبیین یک حالت

پارانوئیدی (کج باوری) به کار برده است و فرافکنی را این گونه تعریف کرده است: «یک ادراک داخلی واپس زده شده است که محتوای آن پس از مقداری تغییر شکل به جای ادراک اصلی به حوزه ی هشیاری به شکل ادراکی که از خارج می آید حلول می کند. بدین ترتیب پارانویا با یک میل هم جنس خواهانه ی سر کوفته و فرا افکنده شده تبیین می شود. از لحاظ فروید پدید آیی هذیان آزاریدگی در سه مرحله به انجام می رسد:

الف - من (یک انسان) او را دوست دارم. اما صفت هم جنس خواهانه ی این احساس آن را در صحنه ی هشیاری نابخشودنی می سازد.

ب - آنگاه این احساس در برابر چنین وضعیتی به حالت عکس خود مبدل می گردد: «من او را دوست ندارم» اما وجدان فرد نیز این را هم نمی پذیرد که احساس خصمانه ای نسبت به آن که دوست دارد به خود بگیرد.

ج - «من او را دوست ندارم» به «او از من متنفر است.» تبدیل می شود و این خود ابراز تنفر را نسبت به وی موجه می سازد.

در این مراحل مکانیزم فرافکنی به وضوح نشان داده شده است. انسان به شخصی احساس خود را نسبت می دهد. احساسی که از قبول آن به عنوان احساس شخصی خود امتناع می کند. «مای لی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)

فروید در مرحله ی دوم آثار خود مفهوم فرافکنی را گسترش داده و اعتقاد به قضا و قدر را به خاطر عدم شناخت انگیزش های ناهشیاری که علل واقعی افکار و اعمال هستند، وارد حوزه ی فرافکنی نموده است. به نظر فروید خرافات نیز به نوبه ی خود از فرافکنی سرچشمه می گیرند. شخص خرافی انگیزش های اعمال تصادفی خود را که درونی هستند به دنیای خارج نسبت می دهد. «فروید در کتاب توتم و تابو همین افکار را گسترش بیشتری می دهد و [معتقد است] انسان پنداری، جاندار پنداری، فکر سحری و قدرت مطلق افکاری که در انسان های ابتدایی، در کودک و در روان آزرندگان مشاهده می شود، حاصل فرافکنی فرایند های روانی ابتدایی به دنیای خارج اند. همین نکته نیز سرچشمه ی این اندیشه ی فروید است که آفرینش هنری فرافکنی هنرمند در اثر است.» (همان: ۱۷۵)

البته توجه به برون فکنی ها به روان کاوی اختصاص ندارد، بلکه قرن ها پیش از طرح روان کاوی و فسارغ از مبنای تفسیر آن برون فکنی مطرح بوده است و در حکایات، احادیث و متون عرفانی نیز نمونه هایی از آن دیده می شود.

شاعران و نویسندگان نیز از دیر باز در آثار خود بارها به فرافکنی اشاره کرده و یا از آن استفاده نموده اند.

ناصر خسرو گوید:

چند بنالی که بد شده است زمانه
 عیب تنت بر زمانه برفکنی چون
 هرگز کی گفت این زمانه که بد کن؟
 مفتون چونی به قول عامه ی مفتون؟
 تو شده ای دیگر این زمانه همان است
 کی شود ای بی خرد زمانه دگرگون
 (دیوان اشعار، ۱۳۸۳: ۴۲)

ناصر خسرو انتساب گناه و تنبلی به قضا و قدر را کار سفها می داند و این گونه فرافکنی ها را ناشی از اعتقاد به جبر

مذموم و نادرست می شمرد:

گنه و کاهلی خود به قضا بر چه نهی؟
 که چنین گفتن بی معنی کار سفهاست
 گر خداوند، قضا کرد گنه بر سر تو بدکنش
 پس گناه تو به قول تو خداوند تو راست
 زی توخدايست بدین مذهب زشت
 گرچه می گفت نیاری کت از ین بیم قفاست
 اعتقاد تو چنین است ولیکن به زبان
 گویی او حاکم عدل است و حکیم الحکماست
 (همان: ۸۶)

مولوی نیز به کسانی که از روی نفاق و بد مستی فرافکنی می کنند و ظلم و بدی خود را در وجود دیگران

می بینند هشدار می دهد:

ای بسا ظلمی که بینی در کسان
 خوی تو باشد در ایشان ای فلان
 اندر ایشان تافته هستی تو
 از نفاق و ظلم و بد مستی تو
 آن تویی آن زخم بر خود می زنی
 بر خود آن ساعت تو لعنت می کنی
 در خود آن بد را نمی بینی عیان
 ورنه دشمن بودی خود را به جان
 حمله بر خود می کنی ای ساده مرد
 همچو آن شیری که بر خود حمله کرد
 چون به قعر خوی خود اندر رسی
 پس بدانی کز تو بود آن ناکسی
 (مثنوی، دفتر اول، ب ۱۳۳۳-۱۳۲۸)

۱-۳. اهمیت فرافکنی

فرافکنی در مطالعه ی شخصیت افراد اهمیت بسیار دارد و از طریق آن می توان به درک کلی شخصیت انسان و رسوخ در لایه های ضمیر ناخودآگاه نائل شد. «روشن کردن این نکته که چگونه می توان شخصیت یک فرد آدمی را به طور عمیق شناخت یکی از قدیم ترین و پیچیده ترین سؤالاتی است که در زمینه ی شناخت انسان هم برای دانشمندان و هم برای افراد عامه مطرح شده است. بیش از نیم قرن است که به تدریج فنون جدیدی که پاسخ گوی این سؤال هستند در زبان روان شناسی زیر عنوان تست های فرافکنی راه یافته است.» (مای لی، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

باید توجه داشت که پی بردن به عمق شخصیت انسان ها مختص روان کاوی - که دانشی نو ظهور است - نمی باشد و از دیرینه ایام این موضوع مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. از جمله حکایت زیر را که عوفی در جوامع الحکایات نقل کرده است عمق نگرش نسبت به برون فکنی افراد و نحوه ی سود جویی از این روش را به وضوح نشان می دهد:

«وقتی چهار تن با مردی همراه شدند و این مرد گوهری قیمتی داشت و در حقه ای کرده بود و به جهت پادشاهی می برد. هر لحظه در آن حقه نگاه کردی و در محافظت آن طریق حزم سپردی. یکی از آن چهار تن بر سر او واقف شد و حقه بدزدید. آن بیچاره چون به خود باز آمد حقه را ندید. بسیار اضطراب نمود هیچ سود نداشت. مضطر و متحیر با ایشان می رفت. چندان که به شهری رسیدند که مقصد خداوند گوهر بود. پادشاه فرمود تا آن چهار تن را حبس کردند. البته کس اقرار نکرد و پادشاه در آن کار درماند. وی را در حرم دختری بود به جمال حکمت آراسته، از هر دانشی نصیبی داشت. چون حیرت پادشاه بدید گفت: آن چهار تن به نزدیک من فرست تا از روی حکمت بدید آورم که گوهر با کیست.

رای فرمان داد تا هر چهار را به نزد دختر آوردند. فرمود تا بند از پای ایشان بر گرفتند و ایشان را تشریف های فاخر درپوشانیدند و فرمان داد که هر روز باید به خدمت ما آید و طرفی از احوال جهان تقریر می کنی. پس هر روز بامدادی بیامدندی و دختر ایشان را شراب دادی و بنواختی چندان که گستاخ شدند. روزی دختر رای مر ایشان را گفت: در این عهد واقعه ای نادر اتفاق افتاده است و ما آن را از هر کسی سؤال کرده ایم و اکنون از شما همان خواهیم پرسید. باید که جواب آن بر وفق حکمت و قانون خرد باز رانید. چه شما مردمان جهان